

## روابط ایران و عربستان: چالش‌ها و افق آینده

منیر سادات میر نظامی\*

### اشاره:

با توجه به تداوم وضعیت بحرانی در سوریه، عراق و یمن، نبود همکاری ایران و عربستان در جهت مدیریت بحران، هم‌چنین منتفی شدن سفر حجاج ایرانی به عربستان، به نظر می‌رسد چشم‌انداز روشنی در روابط ایران و عربستان وجود ندارد. بخش عمده‌ای از موضوعات مطرح شده در نشست اوباما با رهبران شورای همکاری خلیج فارس نیز به ابراز نگرانی سران شورا نسبت به ایران و عدم دخالت آمریکا در سوریه اختصاص داشته که نمایان‌گر نقش آمریکا به عنوان ضلع سوم روابط ایران و عربستان است.

### مقدمه

تحلیل‌ها در مورد آینده روابط ایران و عربستان علاوه بر پیش‌بینی آینده روابط، شامل ارزیابی سیاست‌های منطقه‌ای این دو و هم‌چنین نقش این سیاست‌ها در شکل‌گیری بحران‌های فعلی منطقه است. البته این دسته از تحلیل‌ها به‌طور خاص بر روابط ایران و عربستان متمرکز نیستند بلکه ضلع سوم تقابل قدرت میان ایران و عربستان یعنی نقش ایالات متحده را مورد بررسی قرار می‌دهند. فرض چنین تحلیل‌هایی بر آن است که ایالات متحده در تنظیم روابط قدرت و موازنه در منطقه از جمله روابط ایران و عربستان نقش بسزایی دارد. به تازگی مؤسسه بروکینگز، میزگرد دوحه را با محوریت چشم‌انداز روابط ایران و عربستان برگزار کرده است. هم‌چنین، کارشناسان بنیاد کارنگی ارزیابی‌هایی از سیاست خارجی عربستان در یک سال گذشته ارائه

کرده‌اند که موضوعاتی چون چشم‌انداز روابط عربستان با ایران و آمریکا را شامل می‌شود. تحلیل مارک لینچ<sup>۱</sup> که در واشنگتن پست به چاپ رسیده است نیز متمرکز بر علت اختلافات میان عربستان و آمریکا است.

### چشم‌انداز روابط ایران - عربستان

یکی از پرسش‌هایی که مرکز بروکینگز در میزگرد دوحه به بحث گذارد، این سؤال بود که «آیا عربستان سعودی و ایران همراه خواهند شد؟»

در پاسخ به این پرسش، جمال خاشوچی<sup>۲</sup> با بیان جنبه مثبت احیای روابط ایران و عربستان برای همه و نبود اختلافات ارضی و مواجهه مستقیم میان این دو کشور، موضوع احیای روابط را مطرح و بر ضرورت هم‌زیستی میان این دو تأکید کرد. او علت وضعیت

1. Marc Lynch
2. Jamal Khashoggi

\* همکار علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی

فعلی را از دید عربستان توضیح داده و آن را ناشی از سیاست توسعه‌گرایی ایران دانست. به نظر او، در حالی که هر دو کشور روابط خوبی در دهه ۱۹۹۰ داشتند، با نفوذ ایران در عراق، سوریه، لبنان و یمن این روابط دستخوش تغییر جدی شده است. بدین ترتیب، خاشوجی دخالت عربستان در یمن را پاسخی به توسعه‌گرایی ایران در آن‌جا و سیاستی غیرقابل قبول در منطقه ارزیابی کرد.

در این میزگرد کریم سجادپور<sup>۱</sup> به تشریح نیاز به ایجاد پل ارتباطی و همزیستی میان ایران و عربستان پرداخت. او از اظهارات خاشوجی مبنی بر بودن ایران در پشت سر همه چالش‌های منطقه انتقاد و بیان کرد عربستان برای انحراف اذهان از مسائل داخلی‌اش چنین ادعاهایی را مطرح می‌کند. حتی او عنوان کرد که این عربستان است که با تلاش برای تغییر رژیم‌ها و رد شدن از خطوط قرمز به صورت انقلابی عمل می‌کند. سجادپور در نوشته‌ای برای مؤسسه کارنگی نیز، به پرسشی مشابه - چشم‌انداز ایجاد روابط حسنه میان عربستان و ایران چگونه است؟ - پاسخ داده است. او معتقد است منازعه میان ایران و عربستان یک جنگ ژئوپلیتیکی است که با مناقشات فرقه‌ای و قومی پوشانده شده است. او این وضعیت را یک چرخه شرورانه می‌نامد. برخورد تمایلات منطقه‌ای ایران و عربستان در این چرخه، آتش وطن‌پرستی و سیاست هویت در هر دو ملت را روشن و تفاوت‌های ژئوپلیتیکی‌شان را بیشتر می‌کند. به نظر او، در حالی که تهران و ریاض منافع مشترکی در مقابله با داعش دارند، یکدیگر را به حمایت از آن متهم می‌سازند. برای تهران، داعش دارای ایدئولوژی وهابی است و عربستان از آن حمایت مالی می‌کند، در حالی که ریاض ظهور داعش را محصول عقب‌نشینی اعراب سنی در سوریه و عراق می‌داند. طبق تحلیل سجادپور، تلاش عربستان برای مقابله با ایران هزینه‌بر و آسیب‌زا است اما این تلاش ادامه خواهد یافت زیرا

موجب محبوبیت سیاسی دولت عربستان در داخل می‌شود. البته بر اساس ارزیابی او، چشم‌انداز نهایی بدین صورت است که ترکیبی از خستگی و کاهش شدید درآمد نفتی به طور طبیعی عربستان و ایران را مجبور به مذاکره می‌کند اما آن روز به نظر نزدیک نیست.

در میزگرد دوحه، الجابر<sup>۲</sup> رقابت میان عربستان و ایران را به بازی اسنوبال که مدام در حال رشد است تشبیه کرد. او معتقد است، برخلاف گردهمایی‌های متعدد، اعراب و ایرانی‌ها قادر به پذیرش راه‌حل‌ها و توافقات نیستند. به نظر او، دغدغه اصلی کشورهای شورای همکاری و اعراب در مورد ایران سیاست فرقه‌گرایی نیست بلکه دستور کار سیاسی ایران است. یکی دیگر از چالش‌های روابط ایران و عربستان از نظر الجابر این است که پیشرفت صورت گرفته در گفتگوهای میان دولت عربستان با بخشی از حکومت ایران اغلب از سوی طیفی دیگر در ایران تضعیف و به چالش کشیده می‌شود.

دکتر ناصر هادیان نیز در این میزگرد، با قبول سوء تفاهم‌های عمیق میان نخبگان ایرانی و سعودی، بر اهمیت یافتن راهی برای همکاری تأکید کرد. او توضیح داد که ایران نه به دلیل رقابت با عربستان سعودی، بلکه به دلیل احساس تهدید علیه اصولش از سوی ایالات متحده و اسرائیل در لبنان، سوریه و عراق درگیر است اما در مقابل، عربستان سعودی ایران را تهدید اصلی خود می‌داند و سیاست خارجی‌اش را بر همین اساس پیش می‌برد. هادیان با اشاره به متحدان غیرشیعی ایران هم چون حماس و ونزولنا، جایگاه فرقه‌گرایی را به عنوان مبنای سیاست خارجی ایران رد کرد.

### دخالت مشروع

یکی از مسائلی که در میزگرد دوحه بدان پرداخته شد چیستی و چگونگی دخالت مشروع ایران در منطقه

2. Al Jaber

1. Karim Sajadpour



با گذر زمان از بین برود و همین منطبق ضدایرانی را نیز در لبنان دارد. باهوت سیاست عربستان در لبنان را شکست خورده می‌داند زیرا ریاض مدت‌ها از سعد حریری و متحدانش حمایت کرد و آن‌ها را تشویق به مقابله و ایستادگی در برابر متحدان ایران یعنی حزب الله نمود اما به دلیل نبود یک حکومت مؤثر در بیروت شاهد چرخش ناگهانی و غیرمنتظره در سیاست شد. باهوت قطع کمک‌های عربستان به ارتش لبنان در اوایل ۲۰۱۶ و تهدید مستقیم و غیرمستقیم به کاهش دیگر حمایت‌هایش از دولت و اقتصاد لبنان را یک شمشیر دولبه می‌نامد که از یک‌سو، متحدان عربستان و از سوی دیگر، منافع این کشور را در لبنان تضعیف می‌سازد.

### چه باید کرد؟

پرسش مهمی که در میزگرد دوحه به آن اشاره شده است، این است که ایران و عربستان چگونه باید به جلو گام بگذارند؟ خاشوجی ایران را مسئول پایان دادن به حمایت از شبه‌نظامیان در منطقه می‌داند و منافع مشروعی برای ایران در سوریه و یا عربستان سعودی نمی‌بیند. در واقع، او سیاست ایران را سیاستی مداخله‌جویانه و برای سوری‌ها و یمنی‌ها ناعادلانه ارزیابی می‌کند. سجادپور معتقد است، ایران و عربستان نگاه دیگران به سوریه و مشکلات منطقه را درک می‌کنند. بر همین اساس، توصیه او هیچان‌زدایی کردن از روابط، رهاسازی تنش‌ها، ساختار شکنی از نظام‌های ادراکی و تمرکز بر تهدیدات مشترکی چون افراطی‌گری، همکاری اقتصادی و محیط زیست است. جابر بحث پیرامون موضوعاتی چون بحرین، جزایر مورد مناقشه، فرقه‌گرایی و نیاز به توسعه را مفید می‌داند. او معتقد است، خلیج فارس امید دارد ایران به مذاکرات و توافقاتی با کشورهای منطقه همچون برجام وارد شود اما در حال حاضر کشورهای منطقه از جایگاه خلیج فارس در بازی بلندمدت حکومت ایران واهمه دارند.

بود. خاشوجی حقوق بین‌الملل را معیار این مشروعیت دانست. به نظر او، ایران به جنگ با هرج و مرج و افراطی‌گری در منطقه کمکی نمی‌کند و در حالی که خواهان گفتگو است، مانند نمونه یمن و سوریه مشغول عملیات نظامی است. الجابر به ادراک ایران در منطقه اشاره کرد و به آماری ارجاع داد که بیانگر نگاه منفی و ترس بسیاری از همسایگان عرب و مسلمان منطقه نسبت به ایران است. به گفته او، بر اساس این بررسی همسایگان ایران بیش از داعش، اسرائیل یا هر حکومت دیگری از ایران می‌ترسند. به نظر جابر، این دیدگاه‌های منفی منبث از حمایت ایران از تروریسم است.

سجادپور با اذعان به این که دخالت منطقه‌ای ایران به منظور تأمین امنیت خود و امنیت منطقه است، دستور کار سیاست خارجی ایران را روشن ارزیابی کرد. او با یادآوری تکررگرایی و انتخابات منظم در ایران و احترام به حاکمیت قانون و همچنین نمونه سوریه، عربستان سعودی را به دلیل تلاش برای تحمیل حکومت به ملت‌های منطقه ناقض اصلی حقوق بین‌الملل دانست. به نظر سجادپور، معرفی ایران به عنوان تهدید، ساختگی است و مردم منطقه آن را به هیچ وجه قبول نمی‌کنند. هادیان نیز با مواضعی مشابه معتقد است، عربستان سعودی در یمن دخالت می‌کند اما همین حق را برای ایران در سوریه قائل نیست. او روابط خوب ایران با عمان، قطر و دوبئی را تأیید این نظر می‌داند.

جوزف باهوت<sup>۱</sup> در ارزیابی بنیاد کارنگی از سیاست خارجی یکساله عربستان، به تحلیل علت دخالت و نفوذ عربستان در منطقه خاورمیانه پرداخته است. به نظر باهوت، تمایل ریاض به عقب راندن تأثیر ایران محرک کلیدی تصمیم به حمایت از نیروهای مخالف بشار اسد حتی به قیمت افزایش نظامی‌گری و ظهور گروه‌های شبه‌سلفی است. بر اساس تحلیل باهوت، ریاض امید دارد تأثیر مسکو در سوریه نیز

1. Josef Bahout

## اوباما و خلیج فارس

مؤسسه دول عربی خلیج فارس در واشنگتن نیز میزگردی با موضوع دستاورد دیدار اوباما و رهبران شورای همکاری خلیج فارس برگزار کرده است. در این میزگرد عبدالخالق عبدالله<sup>۱</sup> نشست گروه بین‌المللی حامیان سوریه در ۲۱ آوریل را دارای دستاورد موفقیت‌آمیزی ندانست. او به این نکته اشاره کرد که شورای همکاری خلیج فارس از دولت اوباما ناراضی است و در مقابل، واشنگتن نیز نسبت به اقدامات اعضای شورا همچون عربستان انتقاد دارد. او سه ملاحظه اصلی شورای همکاری نسبت به دولت اوباما را این گونه برشمرد: ۱. انتقاد از سیاست قرار دادن ایران در جایگاه نخست، زیرا برای بار اول است که یک رئیس‌جمهور ایالات متحده ایران را اول و شورای همکاری را در مرتبه دوم قرار می‌دهد. ۲. دیدگاه اوباما نسبت به مسلمانان، جهان اسلام و منطقه واقعیت ندارد. ۳. دیدگاه انتقادی دولت اوباما نسبت به شورای همکاری روابط میان دوطرف را مخدوش کرده است. به نظر عبدالله، میراث اوباما موضوع ایران نخواهد بود بلکه قصور در مورد سوریه است. به علاوه او به واشنگتن هشدار می‌دهد باید مانند اقدام تهاجمی شورای همکاری، با ملاحظه نظام‌های سیاسی و اجتماعی کشورهای منطقه تغییرات ساختاری در آن‌ها صورت دهد. او نتیجه می‌گیرد، با وجود اختلافات فعلی اتحاد منافع میان ایالات متحده و شورای همکاری تداوم یافته و خواهد یافت.

در این میزگرد جفری گلدبرگ<sup>۲</sup> نیز روابط عربستان و آمریکا را مورد بررسی قرار داد. او میان سیاست دولت اوباما و رئیس‌جمهور بعدی ایالات متحده تمایز قائل می‌شود و معتقد است، اگر هیلاری کلینتون رئیس‌جمهور بود در حال حاضر سفرهای تضمینی برای احیای اعتماد کشورهای منطقه و اروپا را آغاز کرده بود. او سیاست دولت اوباما را سازهای یأس آور می‌نامد که ابتدا با امید و دادن تعهدات آغاز می‌کند و به زودی متوجه می‌شود مسائل منطقه

خاورمیانه نمی‌توانند در طول این دوره حل شوند. با وجود این گلدبرگ، آمریکا و شورای همکاری را دارای نقاط اشتراک بسیار دانست.

پری کامک<sup>۳</sup> در ارزیابی بنیاد کارنگی از سیاست خارجی یک سال اخیر عربستان، بر روی موضوع روابط عربستان و آمریکا تمرکز دارد. او معتقد است، نباید به بازگشت رئیس‌جمهور جدید آمریکا به پارادایم قدیمی امیدوار بود زیرا در گذشته، ایالات متحده امنیت پادشاهی عربستان را در مقابل ثبات در بازار انرژی جهان تأمین می‌کرد اما آمریکا دیگر به نفت عربستان وابسته نیست و تمایلی به بازگشت به نقش پلیس منطقه ندارد. در واقع، در این شرایط عربستان احساس رهاشدگی از سوی آمریکا دارد و این مسئله را به ارتباطات جدید آمریکا با تهران نیز ربط می‌دهد. کامک یک رابطه عادی جدید و در حال ظهور را میان عربستان و آمریکا پیش‌بینی می‌کند؛ جایی که هر دو طرف با وجود اختلافات بر سر بحران‌های منطقه، در ابعاد گوناگون تأمین امنیت همکاری دارند و در حوزه اقتصادی نیز مشارکت می‌کنند.

لینچ به طور موشکافانه به دنبال علت تنش و اختلاف میان عربستان و آمریکا، مسئله بقا را مطرح می‌کند. به نظر لینچ، علت اصلی تنش میان عربستان و آمریکا ترس از تهدید بقای رژیم از زمان تحولات عربی و سقوط حسنی مبارک است. در واقع، به طور کلی رهبران عرب با مشاهده سرنوشت حسنی مبارک از بی‌میلی یا ناتوانی واشنگتن نسبت به نجاتشان در برابر شورش‌های مردمی ترسیده‌اند. به نظر لینچ، سیاست‌های نادرست رهبران دولت‌های عرب در واکنش به این ادراک، مسائل داخلی‌شان را بیشتر کرده و آنان را در تقابل با اهداف استراتژیک آمریکا در منطقه قرار داده است.

### نتیجه‌گیری

آن‌گونه که از تحلیل‌ها برمی‌آید، امکان ترمیم روابط میان ایران و عربستان در آینده‌ای نزدیک دور از انتظار

1. Abdulkhaleg Abdulla  
2. Jeffrey Goldberg

3. Perry Cammack



این حوزه سابقه طولانی همکاری دارند که همین امر، ارزش پذیرش خطرات و چالش‌های پیش‌رو را فراهم می‌کند.

تحلیل‌های پیرامون روابط ایالات متحده و عربستان نیز به دو دسته تقسیم می‌شود. دسته نخست، با وجود اختلافات میان آمریکا و عربستان اتحاد این دو را پایدار تلقی می‌کنند مانند تحلیل عبدالله و گلدبرگ. دسته دوم، اتحاد آمریکا و عربستان را دارای خصوصیات و جهت‌گیری جدیدی می‌دانند مانند تحلیل کامک. بر اساس ملاحظه مسائل فی‌مابین ایران و عربستان و نقش ایالات متحده در این میان، به نظر می‌رسد همان‌گونه که کامک بیان کرد، روابط آمریکا و عربستان به سطح اتحادی معمولی تنزل یابد. تا پیش از این آمریکا سعی در ایجاد موازنه قوا به نفع دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس داشت اما با کم‌تر شدن نقش آمریکا و پرهیز از دخالت مستقیم در مسائل منطقه، عربستان و دیگر دولت‌های عرب نسبت به گذشته تنها تر شدند. این در شرایطی روی داد که به گفته لینچ، آن‌ها بقای خود را در معرض تهدید می‌دانستند. به نظر می‌رسد با تداوم سیاست فعلی ایالات متحده، عربستان باید به تنهایی بار موازنه قوا در برابر ایران را به دوش بکشد و یا مسائل خود با ایران را حل نماید. این وضعیت سناریوی مدنظر سجادپور نیز بود که باید توجه داشت تنها در صورتی روی می‌دهد که علاوه بر تمام شدن پشتوانه مالی نفت و خستگی عربستان و ایران، ایالات متحده و هیچ قدرت فرامنطقه‌ای نیز از سیاست‌های منطقه‌ای عربستان پشتیبانی نکند.

فاصله بسیار زیاد میان مواضع ایران و عربستان را به آسانی می‌توان از تحلیل‌های ارائه شده در میزگرد دوحه به خوبی درک کرد. نکته شایان توجه این است که شاید نتوان برای ایجاد وضعیت فعلی منطقه یک طرف را مقصر دانست. بحران‌های ایجاد شده حاصل مجموعه کنش‌ها و واکنش‌های دولت‌های منطقه و فرامنطقه است. نکته‌ای که هادیان نیز به آن اشاره داشت و ادراک ایران از اقدامات آمریکا و اسرائیل را در سیاست‌های فعلی جمهوری اسلامی ایران مؤثر دانست. هم‌چنین مباحثه در مورد مشروعیت اقدامات دولت‌های منطقه نیز راه به جایی نمی‌برد. از یک‌سو، خاشوچی حقوق بین‌الملل را منبع مشروعیت سیاست‌ها عنوان می‌کند اما به حملات عربستان به یمن و محکومیت اقداماتش از سوی نهادهای حقوق بشر اشاره‌ای نمی‌کند. از سوی دیگر، هادیان سابقه نفوذ ایران در سوریه و عربستان در یمن را به نوعی پایه مشروعیت اقدام تلقی می‌کند در حالی که این رویکرد نیز پویایی روابط قدرت و نفوذ را در نظر نمی‌گیرد. در واقع، دولت‌های منطقه باید پذیرند به دلیل ضعف‌های‌شان در ایجاد و حفظ روابط اتحادآفرین، امکان نفوذ دولت رقیب در حوزه نفوذ آن‌ها وجود دارد و این درباره ایران و عربستان نیز صادق است.

البته در میزگرد دوحه تحلیل‌گران توصیه‌هایی مبتنی بر همکاری دو کشور در حوزه‌های فنی، محیط زیست، برنامه‌های توسعه و جزایر مورد مناقشه ارائه نمودند که به نظر توصیه‌ای عملی نیست. ایران و عربستان تا پیش از تیره شدن روابط نیز در حوزه‌های فنی و محیط زیست همکاری قابل توجهی نداشتند. هم‌چنین جزایر مورد مناقشه -پیشنهاد الجابر- موضوعی غیرقابل بحث و جزو خطوط قرمز ایران است و نمی‌تواند آغازی برای نزدیکی باشد. شاید بتوان حوزه همکاری را در اموری چون مراسم حج متصور شد که این حوزه نیز به دلیل حادثه منا و هم‌چنین متهم ساختن ایران به سیاسی کردن آن، حوزه‌ای بدون چالش نیست اما ایران و عربستان در